مسعود فروتن:
هنرمندان زندگی خصوصی خود را جار نزنند

مسعود فروتن مانند جمشید مشایخی معتقد است وقتی یک نفر چهره شد زندگی خصوصی‌اش دیگر تنها به خودش مربوط نیست. از دیدگاه او کسی که نام هنرمند روی خود می‌گذارد باید مواظب انتخاب‌هایش باشد. جمشید مشایخی در مراسم بزرگداشت زادروزش در موزه هنر امام علی(ع) خطای زندگی خصوصی هنرمندان را تنها مربوط به خودشان ندانست. تسنیم در حاشیه این مراسم راجع به این سخنان مشایخی با مسعود فروتن به گفت‌وگو نشسته است.

■■■

بر خلاف باور اکثر بازیگران نسل‌های جدید سینما و تلویزیون مبنی بر اینکه حتی وقتی زندگی شخصی‌شان را در شبکه‌های اجتماعی جار می‌زنند کسی حق ندارد در زندگی‌شان دخالت کند، استاد مشایخی معتقدند زندگی خصوصی هنرمندان فقط به خودشان مربوط نیست. به نظر شما کدام دیدگاه درست است؟

من فکر می‌کنم وقتی یک نفر چهره شد، آن فرد الگو می‌شود و زندگی خصوصی‌اش دیگر تنها به خودش مربوط نیست، چراکه جوانان احتیاج دارند الگو داشته باشند. این الگوها هنرپیشه‌ها، خوانندگان و ورزشکاران هستند. برای همین این اقشار جامعه باید مواظب اخلاقیات و زندگی‌شان باشند. کسانی مانند جمشید مشایخی، داوود رشیدی و عزت‌الله انتظامی همواره تلاش کردند که زندگی خانوادگی سالمی داشته باشند بدون اینکه شایعه‌ای یا خط زردی در زندگی‌شان باشد. جوانان به زندگی هنرمندان حساس هستند. وقتی به عنوان مثال دو نفر از بازیگران طلاق می‌گیرند، مردم در صفحه‌های اجتماعی‌شان نظر می‌گذارند که اغلب باعث ناراحتی آن هنرپیشگان می‌شود، چراکه به نظر آنها زندگی خصوصی‌شان به خودشان مربوط است. من در مقابل این دیدگاه می‌گویم نه، به خودتان مربوط نیست. شما از وقتی که در جایگاهی قرار گرفتید که صدایتان را شنیدند و عکس و تصویرتان را دیدند متعلق به جامعه‌ای هستید که شما را دوست دارد. شما دیگر باید برای آدم‌هایی که دوستتان دارند زندگی کنید نه فقط برای خودتان.

من شاید مانند یک ستاره سینما چهره نباشم ولی مردم مرا می‌شناسند و به من محبت دارند و به عنوان هنرمند، زندگی‌ام در دید همگان است. من نمی‌توانم رفتاری انجام‌دهم یا لباسی بپوشم که متناسب و متجانس با سنم نیست. هرکس با وضعیت موقعیتش، سن و سالش و جامعه‌اش باید رفتار کند. هنرمند حتی در رفتارهای اجتماعی‌اش باید مواظب باشد. مثلاً اگر دختر جوانی می‌خواهد با من عکس بگیرد همواره سعی می‌کنم آن عکس کنترل شده باشد. من هنرمند باید مواظب زندگی و آینده آن دختر جوان باشم تا به خطر نیفتد.

عکس‌العمل هنرمندان هنگام مواجهه با عکس‌العمل و ابراز احساسات مردم در قبال اتفاقاتی که برایشان می‌افتد مانند جدایی چگونه باید باشد؟

این یک هشدار است برای هنرمندان تا از این به بعد بیشتر مواظب باشند. کسانی از هنرمندان که به فرض مثال جدا شدند و می‌گویند به کسی مربوط نیست باید مواظب باشند که دیگر از این اشتباهات نکنند. انتخابی کنند که اشتباه نباشد. هنرمند اگر با مخاطبانش خوشرویی نکند آنها را از دست می‌دهد. باید هنرمند همه مشکلاتش را وقتی می‌خواهد با مردم مواجه شود فراموش کند. ما البته بازیگرانی داریم و داشتیم که زندگی خصوصی‌شان را جار نزدند و بالطبع زندگی بی‌حاشیه‌ای نیز داشتند.

مجید مجیدی بنیاد رسول اکرم(ص) را راه‌اندازی می‌کند

مجید مجیدی در حاشیه نشست دومین جشنواره ملی پیامبر اکرم(ص) با عنوان «مشق صلوات» به اکران فیلم «محمد رسول‌الله» خارج از ایران و تأسیس بنیاد رسول اکرم(ص) اشاره کرد.

مجید مجیدی، رئیس دومین جشنواره پیامبر اکرم(ص) با عنوان «مشق صلوات» درباره اکران فیلم «محمد» در خارج از ایران گفت: به رغم اینکه کارشکنی‌ها درباره اکران این فیلم در خارج از کشور توسط نیروهای تندرو و سلفی‌ها ادامه دارد و عملاً امکان نمایش فیلم را در برخی مواقع کور می‌کنند، اما شاهد هستیم فیلم در برخی کشورها در سطح وسیعی به نمایش درآمد. وی ادامه داد: فیلم «محمد رسول‌الله» در ترکیه در سطح وسیعی به نمایش درآمد، اما در عین حال در همان زمان نیروهایی در ترکیه علیه فیلم فتواهایی صادر کردند. در داغستان که بزرگ‌ترین مرکز ورود اسلام به کل سوریه است و منطقه مهمی به شمار می‌رود این فیلم به نمایش درآمده و با استقبال مواجه شده است و از آنجا به آذربایجان، شوروی، چچن و... می‌رود. ان‌شاءالله در هفته‌های آینده در این کشورها این فیلم به نمایش عمومی درآید. در حال حاضر در حال دوبله این فیلم به زبان این کشورها هستیم.

کارگردان فیلم «محمد رسول‌الله» همچنین به شروع اکران این فیلم در عراق اشاره کرد و گفت: اکران فیلم در کشور عراق دو سه هفته‌ای است که آغاز شده، البته این اکران از بغداد آغاز شده است. در کشور عراق در ارتباط با سالن‌های سینما مشکلاتی داشتیم که در حال حاضر سینماهای پرتابل برای این منظور تأسیس شده است. وی در ادامه بیان کرد: با برخی دیگر از کشورهای عربی و برخی کشورهای آسیایی برای اکران فیلم مذاکره شده است تا فیلم روی پرده دیده شود، اما ظرف چند ماه آینده امکان اکران تلویزیونی این فیلم را در دیگر کشورها فراهم می‌کنیم. فیلم «محمد رسول‌الله» تا یکسال دیگر به شبکه نمایش خانگی راه پیدا می‌کند. در بخش دیگری از این نشست، مجیدی با اشاره به تأسیس بنیادی به نام رسول اکرم(ص) توسط وی، گفت: ما دنبال این هستیم بنیادی به نام رسول اکرم(ص) راه‌اندازی کنیم که در حال حاضر مذاکرات آن را آغاز کرده‌ایم. به دنبال این هستیم در این بنیاد مولد و تولیدکننده آثاری در خصوص سیره رسول اکرم(ص) در همه شاخه‌های هنری و ادبی باشیم و این جشنواره نیز نخستین فعالیت این بنیاد به شمار می‌رود.

رتبه‌بندی رسانه‌ها در جهت تحقق عدالت رسانه‌ای است

حسین انتظامی با تأکید بر استفاده مناسب رسانه‌ها از فناوری‌های نوین ارتباطی، از حمایت وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی برای طراحی و تولید نرم‌افزارهای کارآمد در این عرصه خبر داد.

معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در بازدید از خبرگزاری آریا، ضمن حضور در جمع تحریریه، از نزدیک با دو اپلیکیشن طراحی شده در این خبرگزاری آشنا شد. اپلیکیشن‌های «سینما دیدار و دیدار پرس» با هدف تقویت فضای تعاملی میان مردم و محصولات فرهنگی - هنری طراحی شده و در دو حوزه سینما و مطبوعات به زودی به شکل سراسری عرضه می‌شود.

معاون مطبوعاتی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با استقبال از تجهیز رسانه‌ها به ابزارهای جدید اطلاع‌رسانی، به طرح رتبه‌بندی روزنامه‌ها، خبرگزاری‌ها و پایگاه‌های خبری با کمک اهالی رسانه و مبتنی بر استفاده از این ظرفیت‌های نوظهور اشاره و تصریح کرد: مبنای ایجاد نظام رتبه‌بندی، تحقق عدالت رسانه‌ای است، چراکه ملاک همکاران ما برای ارائه خدمات مختلف معنوی و مادی از جمله پرداخت یارانه مستقیم، یارانه طرح اشتراک، آگهی‌های دولتی و سایر برنامه‌ریزی‌ها، بر اساس نتایج طرح‌های رتبه‌بندی صورت می‌گیرد.

گفت‌وگوی «جوان» با نامزد جایزه جهانی هانس کریستین اندرسن ۲۰۱۸ و آسترید لیندگرن ۲۰۱۷

ادبیات کودک و نوجوان هنوز در حاشیه است

کتاب خواندن دغدغه سیستم آموزشی ما نیست

فاطمه عرفانیان/ جوان

■ مریم احمدی

اولین جرقه‌های نوشتن از زنگ انشای مدرسه در ذهنش شکل گرفت. در دوران راهنمایی، عضویت در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان شماره یک آبادان، دریچه جدیدی از دنیای ادبیات و نویسندگی را به رویش باز کرد. از آن زمان خواندن و نوشتن، کار و تفریحش شد تا به امروز که بیش از ۸۰ عنوان کتاب منتشر کرده است. فرهاد حسن‌زاده، نویسنده برجسته حوزه کودک و نوجوان با چندین دهه تلاش در عرصه ادبیات کودک، خلق آثاری بدیع، اصیل و هنرمندانه و از همه مهم‌تر داشتن سهمی پایدار در پیشبرد ادبیات کودکان به عنوان یکی از نویسندگان ایرانی، شایسته‌نامزدی دریافت جایزه‌های جهانی هانس کریستین اندرسون ۲۰۱۸ و جایزه آسترید لیندگرن ۲۰۱۷ شناخته شده است. آنچه پیش‌رو دارید حاصل گفت‌وگوی صمیمانه ما با این نویسنده برجسته است.

■■■

آقای حسن‌زاده! از چه زمانی و چطور به عرصه نویسندگی وارد شدید؟

از همان دوران کودکی به نوشتن، تئاتر و قصه‌گویی علاقه‌مند بودم. در مقطع راهنمایی دیدن قفسه‌های رنگارنگ پر از کتاب در کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان، مرا با دنیای ادبیات و هنر بیشتر آشنا کرد. آن زمان تشویق‌های دلسوزانه مربی تئاترم که بسیار علاقه‌مند و خوش فکر بود مسیر زندگی ام را تغییر داد. او یکی از مشوقان و آدم‌های تأثیرگذار زندگی‌ام بود و دیگری، نویسنده خوب جنوب، احمد محمود بود که هنوز هم نوشته‌های این نویسنده مرا تحت تأثیر قرار می‌دهند.

اولین کتابتان چه زمانی به طور رسمی به چاپ رسید؟

تا قبل از آغاز جنگ مرتب می‌نوشتم، اما وقتی جنگ شروع شد، به خاطر شرایط زندگی در آن دوران، نوشتن برایم کمرنگ شد. در آن سال‌ها اصلاً به فکر چاپ آثارم نبودم. تا اینکه سال ۶۷ پس از ازدواج و تثبیت شدن شرایط زندگی‌ام، تصمیم گرفتم قصه‌هایی را که برای پسرم هر شب تعریف می‌کردم چاپ کنم. این شد که در سال ۶۸ قصه‌ای منظوم با عنوان «ماجرای روباه و زنبور» را نوشتم و در سال ۱۳۷۰ به چاپ رسید.

در آثار داخلی نوشته شده برای کودکان و نوجوانان که تعدادشان هم کم نیست مخاطب چقدر در نظر گرفته می‌شود؟ یا بهتر است بپرسم نویسنده‌های کودک تا چه حد مخاطبانشان را می‌شناسند؟

کودکان در کشور ما دو دسته‌اند. یک دسته کودکانی هستند که به آنها می‌توان گفت کودک رسمی. کودکانی که به معنای واقعی کودکی نمی‌کنند. کودکانی که جرئت و جسارت کشف از آنها گرفته شده و رام و بی‌پرسش هستند. کودکانی که به تعبیری گلخانه‌ای هستند و تخیل ندارند. دسته دیگر کودکانی هستند که به اقتضای حال و هوای سن‌شان، خود واقعی‌شان هستند. بچه‌هایی که شیطنت می‌کنند، تجربه می‌کنند و می‌آموزند چگونه زندگی کنند. متأسفانه بسیاری از نویسنده‌های ما مخاطبشان را کودک رسمی می‌دانند و به کودک حقیقی و خواسته‌ها و حال و هوای واقعی‌اش توجهی ندارند. در حالی که نویسنده باید مخاطب را بشناسد و او را دست‌کم نگیرد. باید روحیه پرسشگری را در او ایجاد کند. متأسفانه این دیدگاه غالب گاهی باعث می‌شود برخی از آثار خوب هم از لحاظ ممیزی با مشکلاتی مواجه شوند. من معتقدم همین قدر که یک قصه صاف و ساده را برای مخاطب تعریف کنیم و بگذاریم خودش به نتیجه‌ای که دوست دارد برسد، کافی است. این تفاوت دیدگاه‌ها به تفاوت نوشته‌ها منجر می‌شود. یک نویسنده، داستانی می‌نویسد که مخاطب را برای لحظاتی از دنیای بی‌رنگ واقعی دور و لحظات لذت‌بخشی برایش فراهم کند و یک نویسنده از خودش و نوستالژی‌هایش حرف می‌زند و برای مخاطبی می‌نویسد که در دنیای واقعی اصلاً وجود ندارد!

با این تفاسیر وضعیت ادبیات کودک و نوجوان را در ایران چطور ارزیابی می‌کنید؟

ادبیات کودک و نوجوان همچون دیگر حوزه‌ها همیشه متأثر از شرایط تاریخی موجود بوده است. از زمان انقلاب به بعد ادبیات کودک و نوجوان هم در هر دهه دچار تغییراتی شده است. مثلاً اوایل انقلاب متناسب با حال و هوای آن دوران کمی شعارزده بود و آثاری که خلق می‌شد هم رنگ و بوی همان دوره را داشت. در دهه‌های بعد که از آن روند دور شد و به یک آرامش نسبی رسید، توانست ماهیت خودش را بیشتر پیدا کند. در دهه اخیر نویسندگان جوانی پا به عرصه نویسندگی گذاشتند که به دلیل فاصله سنی کم با دوران نوجوانی، دنیای کودکان و نوجوانان را بهتر درک و آثار خلاقانه‌ای منتشر می‌کنند. به عقیده من اکنون نوای خوبی در حال نواخته شدن است که صدایش چند سال بعد به گوش می‌رسد.

قبول دارید در کنار تمام تلاش‌های انجام شده، هنوز هم ادبیات کودک و نوجوان در مقایسه با دیگر حوزه‌ها در حاشیه است؟

بله قطعاً همینطور است. متأسفانه در سیاستگذاری‌های فرهنگی و تعیین بودجه‌ها، کودکان به نحوه شایسته دیده نمی‌شوند. نه تنها در حوزه کتاب، بلکه در دیگر حوزه‌های فرهنگی از جمله سینما هم این قشر مورد توجه قرار نمی‌گیرند. ناشران رغبتی برای به ورود به این حوزه ندارند، حتی کتابفروش‌ها هم اینگونه هستند. کتاب کودک به ویترین و فضای بیشتری نیاز دارد، کتابفروش‌ها چنین امکانی ندارند و ترجیح می‌دهند به این عرصه ورود نکنند.

علاوه بر مشکلات بخش تولید، با کمال تأسف مسئولان متولی ما از جمله آموزش و پرورش هم در حوزه کتاب و ترویج کتابخوانی خیلی بد عمل می‌کنند. چون کتاب خواندن دغدغه سیستم آموزشی ما نیست. سیستم آموزشی ما از سال‌های گذشته تاکنون بر کتاب‌های درسی متمرکز شده و مبتنی بر حفظ کردن حجم انبوهی از اطلاعات، امتحان دادن و به رتبه رسیدن است. زمان کتاب خواندن از بچه‌ها گرفته شده، ضمن اینکه در مدارس کتابخانه و کتابداری که بتواند بچه‌ها را هدایت کند وجود ندارد. تمام این سیاست‌ها ادبیات کودک را به حاشیه می‌راند. چون مخاطب در میان انبوه بایدها و نبایدها گم شده است.

در قیاس با سال‌های گذشته وضعیت تألیف و نشر آثار کودک و نوجوان را چطور می‌بینید؟

در سال‌های اخیر تیراژ کتاب‌های این حوزه با افت روبه‌رو شده که نشان دهنده وضعیت نامطلوب نشراست. حتی کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان هم به عنوان یکی از الگوهای تولید کتاب، آثار اخیرش را بعضاً با تیراژی نصف گذشته چاپ می‌کند. شاید بتوان یکی از دلایل افت کاهش میزان چاپ کتاب را در این دانست که نگاه تجاری همچنان بر نگاه فرهنگی ما غالب است. اگرچه ناشرانی هستند که با نگاه فرهنگی و شناخت مخاطب پای کار آمده‌اند و از هزینه کردن برای بالا بردن کیفیت کتاب کودکان و نوجوانان دریغ نمی‌کنند، اما در مقابل ناشرانی هم هستند که همچنان به کتاب نگاه تجاری دارند. انواع کتاب‌های دکه‌ای را با تیراژ بالا وارد بازار می‌کنند و خانواده‌های کم‌اطلاع نیز با خرید این آثار کم‌ارزش برای بچه‌هایشان به بازار این ناشران رونق می‌دهند.

برخی مخاطبان نوجوان هنوز آثار خارجی را به تألیفی‌ها ترجیح می‌دهند. به نظر شما ضعف در حوزه تألیف باعث شده است برخی مخاطبان به سمت آثار ترجمه‌ای کشیده شوند؟

بله هنوز هم برخی مخاطبان با این تصور که نویسنده‌های خارجی از ایرانی‌ها بهتر می‌نویسند آثار ترجمه‌ای را به تألیفی‌ها ترجیح می‌دهند. خودسانسوری، ممیزی‌ها و ندیدن و نشناختن مخاطب، باعث محدود شدن تعداد آثار تألیفی خوب و ماندگار در حوزه کودک و نوجوان شده است. علاوه بر اینکه رعایت نکردن «کپی‌رایت» در ایران و نپیوستن کشورمان به جمع کشورهای عضو قانون بین‌المللی حمایت از حقوق مؤلف (کپی‌رایت) همواره راه را برای جولان آثار ترجمه‌ای هموار کرده است. به استثنای برخی مترجمان خبره که سال‌هاست آثار ارزشمندی را ترجمه و روانه بازار کرده‌اند، مترجمان زیادی هستند که بدون گزینش و دقت به ترجمه کتاب‌هایی می‌پردازند که نسخه اصلی آن هم برای مخاطبان این گروه چیزی ندارد چه برسد به ترجمه دست و پا شکسته آن. افتخار برخی مترجمان ما این است که چند صد جلد کتاب داستان ترجمه کرده‌اند و رکورددار هستند در حالی که کتاب حاصل عرق‌ریز روح نویسنده است و مترجم و ناشر بدون پرداخت حق نویسنده و حتی کسب اجازه از او، با ترجمه و فروش کتاب به سود می‌رسند.

> **هنوز هم برخی مخاطبان با این تصور که نویسنده‌های خارجی از ایرانی‌ها بهتر می‌نویسند آثار ترجمه‌ای را به تألیفی‌ها ترجیح می‌دهند. رعایت نکردن «کپی‌رایت» در ایران و نپیوستن کشورمان به جمع کشورهای عضو قانون بین‌المللی حمایت از حقوق مؤلف (کپی‌رایت) همواره راه را برای جولان آثار ترجمه‌ای هموار کرده است**

چند سالی می‌شود که بحث پیوستن و نپیوستن کشور ما به کشورهای عضو قانون کپی رایت محل بحث و مناقشه است، به نظر شما تحقق عضویت ایران تا چه حد می‌تواند بر بهبود بازار کتاب ترجمه‌ای تأثیرگذار باشد؟

پیوستن به این کنوانسیون از ترجمه‌های فله‌ای جلوگیری می‌کند و باعث می‌شود که حق و حریم نویسندگان حفظ شود. از سویی ما را به بازارهای جهانی نشر نزدیک می‌کند و طرف‌های خارجی برای ترجمه آثار ایرانی رغبت نشان می‌دهند. الان گاهی از یک اثر ممکن است همزمان چندین ترجمه صورت بگیرد. این ترجمه‌ها هم مخاطب را سردرگم می‌کند و هم ناشران را متضرر، چراکه بازار گنجایش چند ترجمه از یک اثر را ندارد. درحالی که با وجود قانون کپی رایت این اتفاق غیرممکن خواهد بود. وانگهی این قانون باعث می‌شود که نهادهای داخلی مانند صداوسیما نیز به حق نویسندگان و خالقان آثار هنری احترام بگذارند و این قدر از کیسه این و آن خرج نکنند. ما هر چه به سمت حرفه‌ای شدن پیش برویم، نشرمان و ادبیاتمان نیز جدی خواهد شد. ضمن اینکه این مسئله در ایجاد ذهنیت منفی در بین ناشران دیگر کشورها نسبت به ایرانی‌ها هم نقش مهمی ایفا می‌کند. در نمایشگاه‌های خارجی که شرکت می‌کنیم نگاه مثبتی نسبت به ایران وجود ندارد.

چه شد که به عنوان نامزد دریافت جایزه هانس کریستین اندرسن ۲۰۱۸ و همزمان جایزه آسترید لیندگرن ۲۰۱۷ انتخاب شدید؟

جایزه جهانی هانس کریستین اندرسون که آن را جایزه «نوبل کوچک» می‌نامند هر دو سال یک‌بار از سوی دفتر بین‌المللی کتاب برای نسل جوان (IBBY) به نویسندگان و تصویرگران ادبیات کودک اهدا می‌شود. شورای کتاب کودک به عنوان نماینده این دفتر در کشورمان، پس از بررسی در گروه تألیف و شورای اجرایی و برنامه‌ریزی و همچنین بهره‌گیری از مشاوره‌ها و نظرهای متخصصان، از میان نویسندگانی که آثارشان با معیارهای کلی جایزه هانس کریستین اندرسن همخوانی داشت، من را به عنوان کاندیدای سال ۲۰۱۸ از ایران معرفی کرده است.

همچنین همزمان از طرف کانون پرورش فکری کودکان ونوجوانان هم به عنوان نامزد جایزه آسترید لیندگرن ۲۰۱۷ معرفی شده‌ام. پرداختن به قالب‌های مختلف رمان، داستان کوتاه، زندگینامه، شعر و همچنین تنوع نگارش برای تمامی گروه‌های سنی کودک، نوجوان و خردسال از جمله عوامل مؤثر در انتخاب من به عنوان نامزد این جوایز است.

گویا باید ترجمه آثارتان برای بررسی تا زمان مشخصی به دست داوران برسد، پرونده کاری تان برای ارسال آماده است؟

برای جایزه آسترید لیندگرن پرونده از سوی روابط بین‌الملل کانون ارسال شده است، اما پرونده اندرسن هنوز مهلت دارد و کمیته‌ای که مسئول این کار است به شکل جدی و شبانه‌روزی در حال آماده‌سازی و ترجمه است. همانطور که می‌دانید شرکت در این دوره‌ها و برنده شدن جایزه مستلزم ترجمه با کیفیت کتاب‌ها و ارائه آنها به هیئت داوران است، اما متأسفانه به دلیل کافی نبودن حمایت‌های سازمان‌های متولی و نهادهای مربوطه در تأمین هزینه‌ها، هنوز برخی از آثار مورد نظر برای ارائه به داوران آماده نشده است. برخی کتاب‌ها از جمله رمان «هستی»، «زیبا صدایم کن» و «قصه‌های کوتی کوتی» توسط کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان ترجمه شده است. با اینکه این جایزه، یک افتخار ملی برای ادبیات ایران و مملکت ماست، اما ظاهراً با نگاه ملی دیده نمی‌شود.

آغاز اکران دوم «محمد رسول‌الله(ص)» در هفته وحدت

رئیس کانون پخش‌کنندگان سینمای ایران گفت: بعد از مدت‌ها سینمای ایران با فیلم «محمد رسول‌الله» اکران دوم را تجربه می‌کند و از فردا اکران فیلم آغاز می‌شود.

علی سرتیپی، رئیس کانون پخش‌کنندگان سینمای ایران درباره اکران دوم فیلم سینمایی «محمد رسول‌الله» گفت: این فیلم پتانسیل خوبی برای ادامه اکران داشت و تصمیم گرفته شد تا به مناسبت هفته وحدت از روز یک‌شنبه (۲۱ آذرماه) فیلم اکران دوم خود را در پردیس سینمایی کورش آغاز کند.

وی ادامه داد: بعد از مدت‌ها سینمای ایران با فیلم «محمد رسول‌الله» اکران دوم را تجربه کرد به این معنا که این فیلم سال گذشته شهریورماه به نمایش درآمد و بعد از اتمام اکران با توجه به استقبال بسیار خوبی که از فیلم توسط مخاطبان خارج از کشور صورت گرفت تصمیم گرفتیم این فیلم را در هفته وحدت دوباره اکران کنیم.

مدیرعامل دفتر پخش فیلمیران گفت: فیلم از فردا در سئانس ۱۷ بعدازظهر در سالن شماره ۳ به نمایش درمی‌آید، اما با اقبالی که از سوی مخاطبان در خرید بلیت‌های پیش فروش صورت گرفته امیدواریم تعداد سئانس فیلم بیشتر شده و اکران دوم آن از یک هفته فراتر رود.

نرگس آبیار:

حوزه هنری فیلم روحوضی را به «نفس» ترجیح داد

نرگس آبیار در برنامه «هفت» با انتقاد از وضعیت اکران فیلم «نفس» گفت: ما انتظار داریم وقتی حوزه هنری به ما قول داد و قرارداد دارد، حمایت کند و پای قولش بایستد، اما متأسفانه با سینما بحث جناحی می‌شود.

نرگس آبیار با گلایه از کیفیت اکران فیلم‌ها در سینماهای کشور، بیان داشت: کاش مشکلات ما فقط سالن‌های سینما بود. الان یک بی‌عدالتی عجیب و غریب در سینماها موج می‌زند که به نظرم مشکل بزرگ‌تری است و همه جا این مشکل را می‌بینم.

آبیار در ادامه با گلایه از حوزه هنری انقلاب اسلامی گفت: حوزه هنری که ادعای کار فرهنگی دارد الان فیلم روحوضی نمایش می‌دهد و از سالن دادن به ما خودداری می‌کند. ما از ابتدا با ۲۳ سالن شروع کردیم و الان ۱۶ سالن داریم. در حالی که «نفس» همواره با سالن پر و ظرفیت خوب اکران شده، اما وضعیت سئانس‌دهی و سالن دهی ما بسیار بد است و سئانس‌های شبانه ما را می‌گیرند و ساعت ۱۱ صبح می‌دهند! آبیار ادامه داد: من بعد از خدا به بالاترین مقام عالی رتبه این مملکت پناه می‌آورم تا ما را از این بی‌عدالتی نجات دهند! دلم بسیار پر است و آمده‌ام در «هفت» تا گلایه کنم. من مردانگی یا زنانگی کردم و فیلم «شیار ۱۴۳» را ساختم، حالا شما از من به‌خاطر آن فیلم در «نفس» حمایت کنید. از نهادهایی که از ما کمک نکردند و نهادهایی که از ما کمک کردند مثل سازمان اوج که از ما دلجویی کردند و باعث دلگرمی ما شدند، تشکر می‌کنم.

مایکل مور برنامه‌هایش را در روز تحلیف ترامپ اعلام کرد

مستندساز مشهور امریکایی که تازه یک ماه است از اکران آخرین فیلمش «ترامپ لند» فارغ شده است اعلام کرد: در روز مراسم تحلیف ترامپ که ۲۰ ژانویه برگزار می‌شود، اگر قرار باشد او سوگند بخورد، وی آنجا خواهد بود تا به اعتراض ملی بدون خشونت علیه ترامپ کمک کند.

مایکل مور که احتمال پیروزی ترامپ در انتخابات ریاست جمهوری را از طریق نواحی کمتر مورد توجه و در زمانی که او شانس کمی داشت، مطرح کرده بود، قصد دارد در مراسم تحلیف که ماه ژانویه برگزار می‌شود شرکت کند و به دیگران برای برپایی اعتراض کمک کند، اما او این مسئله را رد نمی‌کند که احتمال دارد که وی کلاً سوگند نخورد. وی گفته است: اگر این اتفاق ناخوشایند رخ دهد که قرار باشد او ۲۰ ژانویه سوگند یاد کند، من هم آنجا خواهم بود تا در اعتراض مردمی و بدون خشونت شرکت کنم و در مراسم سوگند خوردن مردی که فقط با رأی کالج الکترال انتخاب شد نه مردم، کمک کنم. من خودم به عنوان یک شهروند فردی (چون نمی‌خواهم فعالیت‌هایم را اکنون فاش کنم) در این مراسم حضور خواهم داشت. این مستندساز با ارسال ایمیل به هالیوود ریپورتر این مطالب را اعلام کرد.